

Making Mythical Heroes in the Poetry of the Poets of the First Generation of the Islamic Revolution

Gholamreza Hasani*

Majidreza Khazaeivafa**

Ali Mandegar***

Abstract

The war imposed by the aggressive regime of Iraq against Iran prepared the ground for very influential events in the intellectual, cultural, political and social history of Iran. Various aspects of this issue have been represented in poetry and literature, inspiring poets and revolutionary artists to write poems and create seminal works. The purpose of the research is to analyze the intellectual and internal connection of national and religious myths in the poetry of the poets of the first generation of the Revolution. The method of this research, which is a descriptive-analytical one, is based on library sources, where a collection of poets of the first generation of the Islamic Revolution were studied. The findings of the research indicate that revolutionary poets, especially after the outbreak of the war imposed by Iraq, adopted a mythological approach to sacred defense and used national and religious mythical symbols such as Rostam, Arash, Kaveh, Dahhak and also paid attention to the uprising of Imam Hussein and Ashura, the love sacrifice of Ishmael, the story of *Khyber* and the myth of Imam Ali, Hazrat-e Abbas, etc. to persuade, encourage and praise the heroes and brave men in the battle against wrongdoers. The connection of these myths in their poetry, in addition to its aesthetic function, has been a very suitable tool for explaining the ideal goals and the mission of poetry in attracting, persuading and motivating the audience, hence creating a suitable context for the representation of national and religious heroes.

Keywords: Holy Defense Literature, Religious and National Myths, Integrated Approach. Making a Hero

*Ph.D. student of Persian language and literature, Islamic Azad University, Ferdows, Iran. st.ghlamreza.hassani@ferdowsiau.ac.ir

**Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Birjand, Iran. (Corresponding Author) khazaeivafa@iaubir.ac.ir

***Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Birjand, Iran. mandegar@iaubi.ac.ir

How to cite article:

Hasani, G., Khazaeivafa, M., & Mandegar, A. (2023). The intellectual and internal connection of national and religious myths in the poetry of the poets of the first generation of the Islamic Revolution (Positive and negative manifestations of mythological heroism). *Journal of Ritual Culture and Literature*, 2(1), 169-190. doi: 10.22077/jrcrl.2023.6821.1063



قهرمان‌سازی اساطیری در شعر شاعران نسل اول انقلاب اسلامی

غلامرضا حسنی*

مجیدرضا خزاعی وفا**

علی ماندگار***

چکیده

جنگ تحمیلی رژیم متجاوز عراق علیه ایران بستر ساز حوادث بسیار تأثیرگذاری در تاریخ فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران شد که ابعاد مختلف این موضوع در مسائل گوناگون از جمله شعر و ادبیات بازتاب یافت و شاعران و هنرمندان انقلابی را به سرودن اشعار و پدید آوردن آثار هنری ارزشمند و ماندگار ترغیب کرد. هدف پژوهش پیش‌رو تحلیل و واکاوی پیوند فکری و درونی اساطیر ملی و دینی در شعر شاعران نسل اول انقلاب است. روش این پژوهش که رهیافتی توصیفی - تحلیلی است، بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای، شیوه سندکاوی با بهره‌گیری از مجموعه شاعران نسل اول انقلاب اسلامی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شاعران انقلابی به‌ویژه پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با رویکرد اساطیری به مقوله دفاع مقدس از نمادهای اسطوره‌ای ملی و مذهبی از جمله رستم، آرش، کاوه، ضحاک و نیز توجه به قیام امام حسین (ع) و عاشورا، جان‌فشانی عاشقانه اسماعیل ذبیح‌الله، اشاره به داستان خیبر و اسطوره امام علی (ع)، حضرت عباس و... بهره گرفته‌اند و سعی در ترغیب، تشویق و ستایش قهرمانان و دلاورمردان جبهه‌های نبرد حق علیه باطل داشته‌اند. پیوند این اساطیر در شعر آنان علاوه بر کارکرد زیبایی‌شناسی، ایزازی مناسب در جهت تشریح اهداف آرمانی و رسالت شعر در جذب، ترغیب و تهییج و ایجاد انگیزه در مخاطبان با هدف ایجاد بستری مناسب برای باز نمود قهرمانان ملی و مذهبی در این حوزه بوده است.

کلید واژه‌ها: ادبیات دفاع مقدس، اساطیر مذهبی و ملی، رویکرد تلفیقی، قهرمان سازی.

مقدمه

اساطیر از جمله بن‌مایه‌های رازآلودی هستند که همواره با ادبیات یک ملت ارتباط تنگاتنگ و پیوندی عمیق داشته است تا جایی که بنا به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، سرنوشت ادبیات و اساطیر به یکدیگر پیوند خورده است (ر.ک: روتون، ۱۳۷۸: ۷۴). این بدان معناست که می‌توان در عصر حاضر نیز رد پای اساطیر کهن و آیینی را با کارکردهای گوناگون مشاهده کرد. اساطیر مقدس آیینی و مینوی که با کارکردهای متفاوتی در دنیای جدید به حیات خود ادامه داده‌اند. با مطالعه آثار ادبی معاصر می‌توان روایت‌های اساطیری گوناگونی را در این آثار ردیابی کرد و همین امر سبب می‌شود که در شعر انقلاب اسلامی نیز مانند دیگر شاخه‌های ادبی، رویکرد اساطیری را مشاهده نمود. در این نوع از اشعار، شاعران دفاع مقدس و ادبیات پایداری با بهره‌گرفتن از اساطیر و نمادهای رازآلود کهن در کنار مفاهیم و اندیشه‌های دینی به بازآفرینی هویت ملی و میهنی ایرانیان برای ترغیب رزمندگان و جهادگران عرصه دفاع مقدس پرداخته‌اند. آن هنگام که سرزمینی با انقلاب و دگرگونی در زیرساخت‌های فکری و فرهنگی مواجه می‌شود، به بازآفرینی هویت ازدست‌رفته در میان اقوام یک ملت از جمله در میان شاعران و هنرمندان در ماهیت و ذات خویش نیازمند است. محتوای اصلی قیام انقلابی مردم ایران و سپس جریان ادبیات پایداری و دفاع مقدس در ذات خویش با فطرت و روحیات بیدار و آگاه ملت ایران ارتباط تنگاتنگ داشته و از این رو آثار ماندگاری در این زمینه به وجود آمده است. مسئله اصلی این پژوهش، که دغدغه نگارندگان است، آن است که از رهگذر نقش اساطیر در تقویت و تحکیم مبانی هویت ملی و دینی ایرانیان به تحلیل و واکاوی شعر انقلاب اسلامی بپردازند. این پژوهش سعی دارد به پرسش‌های پیش‌رو پاسخ دهد:

۱- بهره‌گیری از عناصر اساطیری ملی و مذهبی در سروده‌ها و اشعار انقلابی و دفاع مقدس (شاعران نسل اول) به چه منظور بوده است؟

۲- این نمادهای آیینی، اساطیری و مذهبی چگونه در شعر آنان منعکس شده است؟

فرضیه اصلی در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده آن است که شاعران انقلاب اسلامی و ادبیات پایداری و دفاع مقدس بلا آگاهی دقیق از توانش و قدرت رازآلودگی اساطیر در خصوص احیای ارزش‌ها، آرمان‌ها و هویت ملی و میهنی ملت ایران از این عناصر در جهت احیای هر چه بیشتر هویت ملی، مذهبی و آیینی ملت ایران بهره‌گرفته‌اند.

هدف و ضرورت پژوهش

هدف اصلی این پژوهش تحلیل و واکاوی کارکرد و پیوند عناصر اساطیری و مذهبی در شعر انقلاب اسلامی (نسل اول) در راستای تحکیم اصول ارزشی و تحکیم مبانی و هویت ملت ایران است. نکته قابل توجه آنکه اسطوره‌ها با گذر زمان به شکل‌های گوناگونی

ظاهر می‌شدند تا بتوانند بنا به مقتضیات هر عصر و دوره نیازهای مردم جوامع خویش را برطرف سازند. استفاده شاعران عرصه ادبیات انقلاب اسلامی از اساطیر در شعر این حوزه نشان‌دهنده آن است که این هنرمندان رشته ارتباط روحی و اندیشه خویش را همچنان با جهان اساطیری حفظ نموده‌اند و به‌منظور تقویت و حفظ و احیاء هویت تاریخی، فرهنگی و میهنی ملت ایران از اساطیر دینی و مذهبی به‌خوبی بهره گرفته‌اند تا به کمک این شیوه از یک‌سو به پاسداشت این اساطیر و از دیگر سو به تفهیم ارزش‌ها بپردازند؛ از این رو با توجه به اهمیت و جایگاهی که اساطیر در اشعار دفاع مقدس بر عهده دارند و نیز با توجه به نقش برجسته شاعران انقلاب اسلامی (نسل اول) در شعر معاصر، پرداختن به موضوع جستار حاضر برای تبیین کارکرد این عناصر، حائز اهمیت است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های علمی گوناگونی درباره ادبیات انقلاب اسلامی، ادبیات پایداری و شعر دفاع مقدس انجام شده است که به برخی از کاربردی‌ترین و مهم‌ترین این آثار خواهیم پرداخت. محمدرضا سنگری در کتابی با عنوان *نقد و تحلیل ادبیات منظوم و دفاع مقدس* با تأکید بر شعر شاعران عرصه پایداری و توجه به شاخصه‌های زبانی و فکری این اشعار، به برخی از نمادهای آیینی و شگردهای نمادپردازی با گزینشی از شعر دفاع مقدس پرداخته است. عبدالجبار کاکایی در کتابی با عنوان *آوازه‌های نسل سرخ* با نگاهی به شعر معاصر از سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ به شعر آرمان‌گرای مذهبی یک دهه از شاعران نسل اول انقلاب اسلامی و بررسی شبکه ذهنی و زبانی این شاعران پرداخته است. کتاب *دستی بر آتش: شناخت شعر جنگ از غلامرضا کافی* شعر جنگ را در دوره شروع جنگ و پس‌از آن از دو جنبه ساختار و محتوا و تازگی زبان، گستره واژگان، اهمیت قالب، تسامح ادبی، شعر اعتراض، توصیف، نمادپردازی و... را تحلیل و بررسی کرده است. علی مکاری‌نیا در کتاب *بررسی شعر دفاع مقدس* به تحلیل شبکه‌شناسی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری شعر سه نسل از شاعران دفاع مقدس پرداخته است. بهزاد رشیدیان در کتاب *بینش اساطیری در شعر معاصر فارسی نیمه یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی‌کدکنی* به تحلیل و واکاوی تحولات و دگردیسی‌های عناصر اساطیری و نمادین در شعر معاصر پرداخته است. میرزایی مطلق و حق‌گو (۱۳۹۵) در مقاله «تجلی اسطوره در شعر دفاع مقدس با تأکید آثار قیصر امین‌پور و علی معلم» به تحلیل و واکاوی اساطیر موجود در شعر این دو شاعر پرداخته‌اند. سلیمانی‌نژاد مهرآبادی و سیف (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی اسطوره و انواع آن در شعر معاصر؛ با نگاهی به شعر موسوی گرمارودی» مهم‌ترین عناصر اسطوره‌ای شعر موسوی گرمارودی را واکاوی نموده‌اند. داوودی مقدم و جهانگیری (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «تحلیل اساطیر حماسی شاهنامه در ادبیات پایداری معاصر» با توجه به جامعه آماری پژوهش خود یعنی اشعار قزوه و مردانی و نیز نمادهای اساطیری

چون البرزکوه، (قاف)، سیمرغ و... به نقش و اهمیت این نمادها در زنده نگاه داشتن هویت ملی ایرانیان و تهییج رزمندگان دفاع مقدس توجه کرده‌اند. با توجه به گستردگی و غنای ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، به نظر می‌رسد پرداختن به موضوعاتی از قبیل جستار پیش رو و کاوش در آثار و اشعار شاعران برجسته این حوزه، هنوز هم قابل مذاقه و واکاوی علمی است؛ لذا بر آن شدیم تا با الگو قرار دادن مطالعات سودمند انجام شده و با توجه به دیگر زوایای مغفول، از جمله نموده‌های مثبت و منفی قهرمان‌سازی اسطوره‌ای به این مبحث پردازیم.

روش پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش داده‌کاوی بر مبنای جامعه آماری پژوهش، شامل گزیده‌ای از اشعار شاعران انقلاب اسلامی نسل اول، است. نگارندگان در این مقاله سعی کرده‌اند تا عناصر و مفاهیم و نمادهای اساطیری ملی و مذهبی را که کارکرد بیشتری در اشعار انتخابی داشته‌اند، مورد توجه و واکاوی قرار دهند. برای به دست آوردن بهتر نتایج، نمونه‌ها به روش انتخابی و سامانمند گزینش شده‌اند و در حد گنجایش این مقاله ارائه می‌گردند.

بحث و بررسی

اسطوره‌ها از جمله درون‌مایه‌هایی هستند که دنیایی ناشناخته و رازآلود از باورها، عقاید، آیین‌ها، رسوم و هویت ملی را در ژرفای خویش نگاهداشته‌اند و بنا به ضرورت در هر عصر و زمانی بخشی از آن را هویدا می‌سازند تا جایی که برای شناخت ادبیات و هنر هر قوم با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع فرهنگی، مکاتب فکری، اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه، نقش این اساطیر آشکار می‌شود. اساطیر اغلب در مراتب گوناگون و به اشکال مختلف در آثار هنری و ادبی ظهور می‌یابند و پیوسته در حال تغییر یا نمود به صورتی دیگر هستند. اساطیر در ادواری مورد توجه قرار می‌گیرند که فرهنگ و زمانه موجود به قدرت آن‌ها نیازمند است تا هویت ملی، میهنی و توانش اساطیر در احیای بسیاری از ارزش‌های فراموش شده یا کمرنگ شده را تقویت کند. در واقع شاعر هنگامی تصمیم می‌گیرد از دنیای رازآلود اساطیری در هنر خویش بهره جوید که بخواهد هنر خویش را به نیروی مقدس، بیکران و رازآلود اساطیر پیوند دهد و به فراخور شهود درونی، خلاقیت، آگاهی و دانش خود از این رهیافت‌ها بهره جوید. در عصر حاضر و در ادبیات فارسی به‌ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مجال بسیار مناسبی فراهم شد تا شاعران آیینی بسیاری جهت توجه، تقویت و پرورش بن‌مایه‌های ملی - میهنی و احیای ارزش‌های اخلاقی و مذهبی به جهان اساطیر قدم بگذارند و از اسطوره با حوزه‌های کارکردی جدید بهره جویند.

شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

ادبیات انقلاب اسلامی شامل تمام آثار منظوم و مثنوی است که در طول انقلاب اسلامی پدید آمده است و از نظر اندیشه و باورهای ایدئولوژیک از جریان فکری پیروزی مردم در انقلاب اسلامی الهام گرفته است؛ ادبیات انقلاب اسلامی درحقیقت برآیند و زاینده زمان و اندیشه‌های حوزه قیام مردم علیه رژیم بود که پس از شروع جنگ تحمیلی، صورتی دیگر به خود گرفت. وقتی که یک سرزمین مورد هجوم اقوام بیگانه قرار می‌گیرد، مسئله «دفاع» از تمامیت ارضی و آب‌وخاک و ایجاد همبستگی ملی در کانون توجه است و از این جهت دفاع از سرزمین و پاسداری از داشته‌ها و ارزش‌ها، مهم‌ترین رویکردی است که مورد توجه قرار می‌گیرد؛ این مسئله امری بدیهی است که برای دفاع، باید از تمامی عناصر، داشته‌ها و ذخایر مادی و معنوی استفاده کرد تا توانش روحی و عاطفی ملت و رزمندگان را تقویت کرده، عزم آنان را برای مقاومت بیشتر نمود. از همین روی در این زمان سروده‌ها و آثاری با موضوع و درون‌مایه پایداری و حفظ عزت و سرافرازی ملت خلق می‌شود. شعر دفاع مقدس به لحاظ تقسیم‌بندی زیرمجموعه ادبیات پایداری است و از نظر محتوایی در حوزه مسائل اجتماعی قرار می‌گیرد و در پی آن است تا پایداری مردم ایران را که برخاسته از ارزش‌های اعتقادی آنان است به تصویر بکشد (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۱: ۹). اندکی پس از انقلاب اسلامی با جنگ تحمیلی عراق علیه ملت ایران مواجه شدیم. جنگی که در نوع خود بر تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم تأثیر گذاشت و سبب شکل‌گیری نوع خاصی از ادبیات شد که بعدها جریان آن را در ادبیات پایداری نام نهادند. «ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد، جنگ، نبود آزادی‌های فردی، اجتماعی، غارت سرزمین توسط بیگانگان و... شکل می‌گیرد. جان‌مایه آثار پایداری، مبارزه با بیداد یا تجاوز بیرونی است» (سنگری، ۱۳۸۹: ۹۱). به لحاظ تاریخی با شروع جنگ تحمیلی این دسته از اشعار بیشتر با ماهیت شهادت‌طلبی، وطن، سرکوب و اعتراض به تجاوز دشمن و رژیم بعثی، دفاع از ایمان و ارزش‌های اخلاقی بن‌مایه‌های اصلی شعر دفاع مقدس و ادبیات پایداری را با زیرساخت آرمان‌گرایی شاعران انقلابی تشکیل داد. شاعرانی که پس از گذر از جریان ساده‌گویی و شعارزدگی با پایان جنگ تحمیلی، اندک‌اندک رویکردهای نمادین و توجه به انواع صورخیال را برای تأثیرگذاری بیشتر کلام خویش مورد توجه قرار دادند و از شعر به عنوان وسیله‌ای برای حفظ هویت ملی و مذهبی ملت مسلمان و انقلابی ایران بهره بردند. یکی از ابزارهای مورد استفاده شاعران این حوزه، بهره‌گیری از نمادهای اساطیری و اسطوره‌پردازی است.

ماهیت‌شناسی اسطوره

درباره اسطوره دو نظرگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. دیدگاه نخست آن را روایاتی آمیخته با دروغ و افسانه می‌داند (شمیسا، ۱۳۸۰: ۷۱). چنانکه در کتاب «فن شاعری» ارسطو این واژه

را به معنای افسانه‌ تمثیلی، پیرنگ و روایت می‌داند (داد، ۱۳۹۰: ۳۴). دیدگاه دوم، نظرگاهی است که اسطوره را کلان روایتی نامحدود و به درازنای تاریخ بشر و آغاز قدسی و مینوی هستی می‌داند (ر.ک: بهار، ۱۳۸۴: ۳۴۳). اسطوره مسائل نامحدود و کلان و کیهان‌شمول را در خود متجلی می‌سازد؛ هرچند که پاسخ‌های آن به‌حسب مقدرات اعصار باستانی، ممکن است نابسند باشد. اسطوره و جمع آن اساطیر واژگانی دخیل از زبان عربی‌اند: «الاسطوره ج اساطیر: القصة او الحکایه و فیها مزيج من مبتدعات و الخیال و التقالید الشعبیه» (المنجد، ۱۳۷۳: ذیل اسطوره). این واژه در زبان عربی خود دخیل از اصل یونانی *Historia* است که واژه‌ای است هم‌خانواده با واژه انگلیسی *History* در معنای تاریخ. «در گوهر اساطیر، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری را می‌توان سراغ گرفت و می‌توان بسیاری از اسطوره‌ها را روایتی تعبیریافته از تاریخ دانست. به نظر می‌رسد هر دو واژه *Historia* و *History* را از ریشه هندواروپایی (*Vid*) و هم‌خانواده با واژه سنسکریت *Vidya* و واژه فارسی باستان *Vaedyā* در معنی دانش می‌داند (ر.ک: بهار، ۱۳۷۵: ۳۴۳). در زبان انگلیسی معادل واژه اسطوره، *Myth* است که از ریشه هندواروپایی (*Mud*) به معنی اندیشیدن است. (همان). اساطیر آینه‌های تمام‌نما و نماد دست‌نیافتنی‌ترین خواسته‌ها و آمال و آرزوهای بشر هستند که در اعماق ذهن خیال‌اندیش انسان نخستین، پرورده و بالنده شده‌اند و گاه رنگ تقدس یافته و سرگذشتی مینوی و قدسی را روایت می‌کنند.

اسطوره راوی سرگذشتی قدسی و مینوی است. راوی واقعه‌ای که در زمان اولین - زمان شگرف بدایت همه‌چیز - رخ داده است و مبین روایت یک خلقت: یعنی می‌گوید چگونه چیزی پدید آمده، موجود شده و هستی خود را آغاز کرده است. هر جامعه‌ای، اسطوره‌های ویژه خود را نگه می‌دارد و در حفظ آن می‌کوشد (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۴).

بهره‌گیری از نمادپردازی اساطیری در شعر انقلاب و ادبیات دفاع مقدس

ادبیات انقلابی و به‌ویژه شعر دفاع مقدس، چریانی است که به دنبال احیای هویت ملی از دست‌رفته ایرانیان است و اساطیر و نمادهای ملی و مذهبی بهترین گزاره‌ها و مؤلفه‌هایی بودند که با طرح افسان کامل و آرمانی و با بهره‌گیری از ویژگی‌هایی چون خرق عادت، صلابت و توانش روحی و جسمی بالا در قهرمانان، چهارچوب‌های قواعد منطقی ذهنی مخاطب را تحت تأثیر قرار دادند و با بیانی رمزی، جنگاوری، رشادت و قهرمانی رزمندگان اسلام را به‌منظور تهییج اذهان عمومی و تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب و ایجاد روحیه دلاوری در قهرمانان و رزمندگان میدان‌های نبرد حق علیه باطل، هدف قرار داد و با تأثیرگذاری مثبت به ذکر رویدادهای جنگ و رساندن فریاد ملت مظلوم ایرانی به گوش جهانیان در برابر تجاوز رژیم بعث پرداخت. درواقع احساس نیاز به این نوع از اشعار و بهره‌گیری از اساطیر ملی و مذهبی برای مقابله در جنگی نابرابر با رژیم بعث عراق، ضرورتی انکارناپذیر بود. کارکرد اساطیر در ادبیات دفاع مقدس و پایداری

طراح انسان برتر یا انسان آرمانی برای احیای نیازهای فرهنگی است و در این راه از ویژگی‌هایی مانند خرق عادت و قهرمانی بودن استفاده می‌کند. انسان‌های اسطوره‌های حماسی، هیچ‌گاه نمی‌توانند در چارچوب قواعد منطقی ذهن قرار گیرند و به نوعی ماورایی محسوب می‌شوند (صفایی‌تبار، ۱۳۸۴: ۴۷۴). در این دوره «شاعرانی را می‌توان دید که پرورده انقلاب بودند و شعر آن‌ها از احساسات و عواطف دینی و وطن‌پرستی آنان مایه می‌گرفت، شاعرانی که بن‌مایه‌های حماسه، اساطیر، توجه به ارزش‌های اخلاقی و معنویت، شاکله اصلی شعر آنان را تشکیل می‌داد» (حقوقی، ۱۳۷۷: ۴۵۰-۴۵۱). آنچه در اینجا اهمیت می‌یابد آن است که شاعر انقلابی برای دفاع از ارزش‌های ازدست‌رفته یا در شرف نابودی، خود را موظف می‌بیند تا به ترسیم چهره ملت مظلوم ایران پردازد و با دعوت همگان به مبارزه و قیام، ستایش مردانگی و غیرتمندی دلاوران، سدی محکم را در مقابل خسارات و تبعات معنوی جنگ ایجاد کند و درست همین جاست که زمینه مساعد برای بهره‌گیری از بینش اساطیری در شعر و ادبیات این دوران فراهم می‌شود.

رویکرد اسطوره‌ای در شعر دفاع مقدس در ادبیات معاصر جایگاه ویژه‌ای دارد. شاعران با استفاده از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و بیان نمادین به بازآفرینی اسطوره‌ها می‌پردازند و با طرح شخصیت‌های ملی و دینی و با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی، روح دفاع از فرهنگ و هویت ایرانی را بیدار می‌کنند (لک، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

شایان ذکر است که توجه به اساطیر ملی و دینی به شعر دفاع مقدس و ادبیات انقلاب اسلامی و پایداری محدود نمی‌شود و از هنگامی که بشر به مفهوم «هویت» توجه کرده است تاکنون در درازنای تاریخ به گونه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد اساطیری در شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و بازآفرینی اساطیر در واقع به نوعی در جامعه‌شناسی زمان و نظام اجتماعی کشور ریشه داشته است. هر زمان که کشور با خطر هجوم بیگانگان مواجه شده است شاعران بلندآوازه‌ای چون فردوسی در سیر تاریخ تکوینی، فرهنگ و تمدن ایرانی دست به کار شده‌اند تا به کمک این بن‌مایه‌های فکری و آیینی کهن، اندیشه ایرانیان را بازسازی کنند. «با استفاده از اسطوره‌های تاریخی و دینی ایرانی و طرح شخصیت‌ها و قهرمانان ملی و دینی سعی شده تا غرور ایرانی را زنده کنند و با تکیه بر ارزش‌های دینی و ملی روح دفاع از فرهنگ و هویت ایرانی را بیدار نمایند» (همان)؛ از این رو قهرمان‌پروری و آماده‌سازی روحیه رزمندگان برای مقابله با دشمن به نیروی محرکه‌ای نیاز داشت؛ به عبارت دیگر شاعر برای شخصیت‌سازی و الگودهی به مخاطب خودش نمونه‌ای از اسطوره‌های ملی و دینی را در مقام تشبیهی و مقایسه‌ای می‌پروراند تا با توجه به نیازهای فرهنگی جامعه، جنگ نابرابر را در عرصه ایدئولوژیک اسلامی و میهنی تقویت نماید. در دورانی که کشور ایران از سوی بسیاری از مجامع بین‌المللی با تحریم‌های شدید سیاسی، مالی، تسلیحاتی و عداوت آنان در پی پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی مواجه بود و از سویی رژیم متجاوز عراق از انواع کمک‌های حمایتی در جامعه

جهانی و کشورهای غربی برخوردار بود.

تحلیل مصادیق و نمونه‌ها

رویکرد تلفیقی به بهره‌گیری از اسطوره‌های ملی و مذهبی

ذهن اسطوره‌ای شاعر انقلابی، دلاوری و رشادت امام خمینی در مبارزه با رژیم دژخیم طاغوت، جنگاوری رزمندگان و شجاعت شهدا در دفاع مقدس را به گذر از هفت‌خوان رستم تشبیه کرده است:

به هفت‌خوان نه به هفتاد بی‌مفارقة راندی تهمت‌نان و یلان را بدین مسارعه خواندی
ز برق قهر تو آه از نهاد دیو برآمد ز هر کرانه هم آواز تو غریو برآمد
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۳۱)

سبزواری در شعر «اینک حماسه‌ای دیگر» که برای رزمندگان دفاع مقدس سروده است با یادکرد اسطوره رستم و شخصیت‌های پهلوانی شاهنامه معتقد است که چه‌بسا این دلاورمردان از قهرمانان اساطیری نیز برتر و بالاترند:

فسانه گشت و کهن شد یاد رستم دستان از آن حماسه که با خون سرود خوزستان
حکیم طوس سزد سر ز خاک برآرد که شاهنامه به ارون رود بسپارد
بشوید از همه دیوان حدیث شاهان را طرازانامه کند نام دادخواهان را
که رزم ساحل ارون نقش جیحون شست سیاه‌نامه تاریخ را یم خون شست
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۹۲)

شاعر در ادامه با تلفیق اساطیر ملی با قهرمانان و اساطیر مذهبی می‌گوید:

بیا حکایت مردان سهم کوش کنیم حدیث خبیر و خندق دوباره گوش کنیم
ز شوش و فکه و اهواز بدر را ببینیم ضعف مقاتله صدق و غدر را ببینیم
به شهر خرم در خون نشسته گام نهیم به پای بوس شهیدان شویم و وام نهیم
(همان: ۹۳)

تلفیق اسطوره ملی و مذهبی در شعر ادبیات پایداری و دفاع مقدس گاه از آن روست که نماد مطرح‌شده هم‌الگویی از خوبی‌ها و فضیلت‌هاست و هم در ابعاد آرمانی، دارای صلابت و قدرت. اساطیر ملی و دینی مجموعه‌ای از عوامل هستند که جریان‌ات ذهنی شاعران را شکل می‌دهند.

فرهنگ عمومی شاعر، یعنی آگاهی او از آنچه در گذشته و حال، در محیط دور و نزدیک او جریان داشته [است] از مسائل تاریخی و اجتماعی و سیاسی گرفته تا اطلاعات دینی و اساطیری و علمی و فلسفی. گاه چندان اطلاعات در ذهن شاعر درهم‌تنیده گشته که

تمییز و طبقه‌بندی آن‌ها، امری محال می‌نماید. از این‌رو شاعران گاه از مسائل و جریاناتی در اشعار نام می‌برند که به لحاظ طبقه‌بندی اطلاعات در یک سطح قرار نمی‌گیرند. این امر موضوعی است که در ادوار مختلف در اشعار شاعران نمودار است (قربانی، ۱۳۹۲: ۲۰).

ابیات زیر نمونه‌ای از تلفیق عناصر اساطیری با مذهبی است:

جنگ جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم	صف این دشمن دیوانه میهن شکنیم
در افسانه‌ای قلعه شیطان بزرگ	چون علی فاتح خیبر شکن تن شکنیم
راه ما راه حسین است که با تیشه خون	همه بت‌های زمین در شب روشن شکنیم
شیشه عمر تو ای دیو بد آیین زمان	ما بر سرپنجه ایمان چون تهمتن شکنیم

(مردانی، ۱۳۷۰: ۸۱)

رویکرد شاعران انقلابی و دفاع مقدس به اساطیر ملی

مقصود از اساطیر ملی آن دسته از اسطوره‌هایی است که قبل از ورود اسلام در تاریخ کهن ایران زمین و در متون کهن از جمله متون پهلوی، اوستا و... وجود داشته و ریشه‌ای ایرانی دارد. این اساطیر به همت فردوسی در اثر گرانسنگ وی شاهنامه به دست ما رسیده است. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فضا برای توجه به عناصر اساطیری مناسب شد و بسیاری از شاعران با الگو قرار دادن حکیم فرزانه توس و شاهنامه به خلق سروده‌های بسیاری پرداختند تا با بهره‌گیری از اسطوره که ریشه در ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها (Archetypes) به‌عنوان میراثی از ناخودآگاه جمعی بشر دارد بتوانند به مقتضای شرایط به اهداف خویش دست یابند. تقویت حس همبستگی، تحریک و ترغیب مخاطب و تهییج عواطف ملی و میهنی سه مؤلفه در بطن اساطیر ملی است که شاعران با تمسک به آنان و نگاه تلطیف‌یافته به این قهرمانان اساطیری، روحیه حماسی را در دوران معاصر زنده ساختند؛ اگر رستم و اسفندیار در شاهنامه قهرمانانی هستند که با توان خارق‌العاده جسمانی خود به نبرد دشمن می‌روند، این بار در قالب قهرمانانی با توانمندی‌های بعضاً روحی بسیار قوی و شاخصه‌هایی چون شجاعت، پیشروی، از خودگذشتگی و ایثار و آزادگی تجلی می‌یابند. اگر قهرمانان اساطیری از تأیید نیروی فرآیزدی برخوردارند، این دلاوران به تأیید الهی برای گذر از سختی‌ها و عقبه‌های دشوار جنگ آراسته‌اند. اساطیر قهرمانی از آن جهت مورد توجه شاعران قرار می‌گیرد که این شاخصه‌ها بسیار بارز و قابل ستایش است و ابعاد زمان و مکان را درمی‌نوردد تا قهرمان را آماده نبرد با ظلم و جور دشمن متجاوز کند.

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم/ وطن من! ای تواناترین مظلوم/ تو را دوست دارم/ ای آفتاب شمایل دریادل/ و مرگ در کنار تو زندگی است (هراتی، ۱۳۸۷: ۲۵).

بخشی از حماسه هشت سال دفاع مقدس مربوط به دلاوری‌ها و ازجان‌گذشتگی‌های

رزمندگان پرتوان میهن اسلامی در خلیج فارس و پاسداری از مرزهای دریایی کشورمان است. این مهم، مضمون حماسی بسیاری از سروده‌های شاعران معاصر بوده است که حس وطن‌دوستی خویش را در قالب دفاع از این خلیج همیشه پارس آورده‌اند:

گر این ترانه نماند خلیج خواهد ماند خلیج فارس به سعی بسیج خواهد ماند
ز تیغ و دشنه فریاد مرد و زن رستید اگر زمین و زمان گنگ و گیج خواهد ماند

(معلم، ۱۳۸۷: ۵۴)

قهرمان‌سازی اسطوره‌ای

شاعران انقلابی با احساس نیاز و ضرورت اجتماعی، سیاسی در دوران جنگ به قهرمانان اساطیری توجه کردند. اسطوره قهرمان در شعر این دوران از آن جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که قهرمان اوصافی دارد که اشخاص دیگر از آن بی‌بهره‌اند، هدفی که شاعر ادبیات پایداری و دفاع مقدس را به بهره‌گیری اسطوره قهرمانان اساطیری دعوت می‌کند آن است که این نوع از اساطیر در باطن خویش با روح آدمی در پیوند تنگاتنگ است. به گفته میرجلال‌الدین کزازی

همه پهلوانان در پهنه تاریخ، همه آن جنگاوران دلیر و دشمن‌کوب که در آوردگاه‌ها به نام و به یاد ایران، این سرزمین سپید هزاره‌ها، مردانه جان باخته‌اند همه آن پولاد چنگانی که بی‌نام‌ونشان مانده‌اند، در نمونه‌ای برترین، در پهلوانی نمادین به نام رستم، نمادینه شده‌اند. این پهلوانان بی‌نام‌ونشان، بدین سان از پهنه روشن و برهنه تاریخ به گستره مه‌آلود و رازناک اسطوره راه جسته‌اند و در چهره پهلوانی نمادین که به هم‌سویگی و همه‌رویگی به شیوه‌ای جاودانه همه آنان را بازمی‌تابد و گواه است، جاودانه گشته‌اند. رستم چونان نماد، همه این پهلوانان را در خود نهفته می‌دارد؛ در ویژگی‌ها و رفتارها، گویا همه آنان است، بی‌آنکه هیچ‌یک را به تنهایی بازنماید و نشانگر باشد. می‌توان بر آن بود که هرکدام از این پهلوانان که نام و نشانشان در غبار تاریخ گم شده است، بخشی از زور و بازوی خود را، پاره‌ای از گرانی گرز و برایی شمشیر و دل‌دوزی تیر خود را به این نوع از قهرمانان ارزانی داشته‌اند. از آن‌روست که این قهرمانان چونان نماد، چونان نگاره‌ای رازوارانه که همه آنان را در خود فرو نهفته است، ویژگی‌های شگفت و باورناپذیر یافته است (کزازی، ۱۳۷۶: ۱۶۷ - ۱۶۸).

شاعر انقلابی عرصه دفاع مقدس با بهره‌گیری از نام‌های اساطیری، جنگاوران میهن را به اسطوره‌های ملی و میهنی پیوند می‌زند و توان روحی و مقاومت آنان را با ستایشی قابل توجه به این شخصیت‌های اساطیری تشبیه می‌کند؛ چنانکه مردانی گفته است:

رخش آتش پی بگو دستان آهن دل کجاست اشکبوسی تازه دارد کارزار سرنوشت
(مردانی، ۱۳۷۰: ۳۵)

سبزواری در توصیف کین‌خواهی و انتقام‌جویی از خون پاک شهدای کربلا، آنان را به
سیاوشان خفته در خاک مانند کرده است که تهمت‌ن‌ان زمانه انتقام خونشان را از رژیم بعث
خواهند گرفت:

پای هوس چه کوبید بر تربت شهیدان خونخواه یک سیاوش، صد تهمتن برآید
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۰۳)

بهره‌گیری از اساطیر ملی از آن جهت که سبب تهییج روحیه پایداری در یک ملت
می‌شود، به‌ویژه در هنگامه جنگ بسیار کارگشاست. حضور اساطیر در شعر این دوران
بسیار تأثیرگذار و میزان تأثیر آن امری غیرقابل انکار است. شاعر قهرمان جان‌برکف را به
سیاوش و تهمتن و اشکبوس تشبیه می‌کند و دشمن خون‌خوار را به ضحاک ماردوش و...
تا بیان کند مردمان سرزمین ایران اسلامی هیچ‌گاه تن به ذلت نخواهند داد و کاوه‌وار علیه
ظلم و تجاوز دشمن قیام خواهند کرد:

گویید خصم دون را زنجیری جنون را ماییم در مصافت آماده خطرها
ما از عشیره خون رویین‌تان عشقیم شمشیر ما شهادت ایمانمان سپرها
(حسینی، ۱۳۸۸: ۲۶)

یا در این نمونه از امین‌پور:

اما رویین‌تان عشق بی‌اعتنا بر عابر مرگند (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۲۷)

پهلوانان و قهرمانان اساطیری در این دوران، دیگر نه به دلیل قدرت بدنی و توان
خارق‌العاده جسمانی که اسطوره‌هایی کاملاً زنده هستند که در مسیر کمال انسانی،
زنده‌کننده عدل و دادند و از این‌روست که کاوه آهنگر و قیام‌او علیه دشمن متجاوز
چون ضحاک نیز در شعر این دوران مورد توجه قرار گرفته است:

اینان هرچند / بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند فاتح و نستوه / در گوششان کدام امام
است / بر دوششان درفش قیام است (همان: ۳۸۸).

دعوت به مبارزه و ترغیب دلاورمردان جبهه جنگ و جهاد در تشویق رزمندگان
جان‌برکف به پایداری هر چه بیشتر و خوارداشت و تحقیر دشمن گاه با اسطوره پایداری،
قدرت و مقاومت در قالب شخصیت آرش کمانگیر متجلی می‌شود:

ای ظفرمندان، ظفرمندان در سنگر به پیش ای سواران سحرگردان نام‌آور به پیش
جنگجویان دلاور، پیشتازان دلیر آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
با سلاح کاری الله و اکبر می‌روید پیروان راستی فاتح خیبر به پیش
(مردانی، ۱۳۷۰: ۴۴)

شاعران انقلابی، همان‌گونه که نمادهایی چون آرش، کاوه و رستم را در مقام تشبیه برای رزمندگان اسلام مورد توجه قرار می‌دهند، در حالت معکوس در تقبیح چهره دشمن از چهره‌های منفور اساطیری استفاده می‌کنند از جمله ضحاک:

سیل فریاد تو دیواره اعصار شکست نبض تاریخی و تاریخ ز تو خونین است
نعره خون تو ضحاک زمان رسوا کرد مرگ اینگونه به از زندگی ننگین است
(مردانی، ۱۳۸۸: ۳۲۶)

اگر رسالت شاعر انقلابی را در این موضوع بدانیم که قصد دارد علائق، ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت مستقل و متمدن را به تصویر بکشد پس آنگاه خواهیم فهمید که چرا دلاوری‌ها و احوال شخصیت‌های اسطوره‌ای را به رزمندگان جبهه‌های جنگ نسبت می‌دهد. امین‌پور در توصیف کاروان‌های اعزامی به جبهه‌های نبرد، سفر هفت‌خوان رستم را مورد توجه قرار داده و می‌گوید:

هفت‌خوان را به یک قدم رفتند زآنکه بر خان عشق مهمانند
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

واژه‌هایی دیگر از جمله «سهراب» و «دستان» در این نمونه‌ها از مردانی:

برخیز ای سردار صبح از خواب خونینج سرمی‌کشد دیو شب از مرداب خونین
در رزمگاه خشم و خون دستان مغلوب در گور نفرین می‌نهد سهراب خونین
(مردانی، ۱۳۶۰: ۲۷)

نمونه‌ای دیگر از توجه به اسطوره کاوه در این ابیات از کاوه:

اما / این شانه‌های گرد گرفته / چه ساده و صبور / وقت وقوع فاجعه می‌لرزیدند / اینان
/ هرچند / بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند فاتح و نستوه / بی‌هیچ خان و مان / در
گوششان کلام امام است / فتوای استقامت و ایثار / بر دوششان درفش قیام است (امین‌پور،
۱۳۸۸: ۳۸۸).

توجه به اسطوره ضحاک:

تا نعره تکبیر بر این خاک زدند مانند ستاره سر به افلاک زدند
کردند بسی مشعله از خون شهید آتش به سراپرده ضحاک زدند
(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

و در اشاره‌ای دیگر به اسطوره ضحاک (ازدی‌دهاک) در مقام تشبیه دشمنان و دژخیمان بعثی:

قرآن بخوان / آنگاه با ذوالفقار / بر ازدها بتاز / دیوار را بکوب / خورشید رافضی / در
انتظار توست (حسینی، ۱۳۹۱: ۴۴).

کردند بسی مشعله از خون شهید آتش به سراپرده ضحاک زدند
(همان: ۴۴)

اشاره به گرسیوز:

ردای حيله به تن کرده باز گرسیوز سلاح کاری «پیران» پیر تدبیر است
به روی گونه سودابه اشک‌های فریب به سوگ تلخ سیاوش زهر تزویر است
(مردانی، ۱۳۶۰: ۳۰۸)

علی معلّم، رویارویی میان نیروهای اهورایی رزمندگان اسلام و جبهه اهریمنی رژیم بعث را در تقابل دو اسطوره رستم و شغاد مورد توجه قرار داده است:
به یک پیمانۀ چون مستان / زده پا بر سر دستان / رها چون رستم دستان / زو هم پستی و
پستان / غم چاه برادر را / ز سر افکنده آن سر را (معلّم، ۱۳۸۹: ۱۰۵)

رویکرد شاعران انقلابی و دفاع مقدس به اساطیر مذهبی

اساطیر مذهبی اسطوره‌هایی هستند که درباره آیین‌ها، اعمال و مناسک دینی و آیینی به وجود آمده‌اند و برای هر آیین و رسم نمونه‌ای ازلی و آسمانی تعریف می‌کنند. اسطوره‌های دینی، نمادهایی از پاکی و درستی و آمیزه‌ای از حماسه‌های تاریخی و اسطوره‌ای هستند. در این بینش، قهرمانان با تبدیل شدن به الگوهای دینی به اوج می‌رسند و ماندگار می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی اسطوره‌های دینی، مقدس بودن آنان است. این تقدس ناشی از دل‌بستگی انسان به امور قدسی و معنوی است. این اسطوره‌ها مسائل و موضوعات دینی را رواج می‌دهند (لک، ۱۳۸۴: ب: ۷۴).

توجه به اسطوره‌های پیامبران، ائمه اطهار و معصومین

دشمن متجاوز در بی‌رحمی و قساوت قلب گاه با نماد اساطیری قابیل مورد توجه قرار گرفته است؛ هراتی در این موضوع چنین می‌سراید:

نه دارم مهربانی‌های هاپیل نه بغض و بخل بی‌پایان قابیل

(هراتی، ۱۳۸۷: ۶۸)

در توصیف قرب و نزدیکی روحی رزمندگان اسلام به عوالم ملکوتی با بهره‌گیری از تمثیل آتش‌طور و موسی کلیم‌الله، چنین آمده است:

سوزشان آتش‌طور موسی / داغشان مهر مهرباب زرتشت / کوله بر پشت و سجاده در پیش
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۱۵).

اشاره به داستان حضرت ابراهیم که با کفر، طغیان و عصیان نمرود به مبارزه پرداخت نیز به‌عنوان اسطوره‌ای مذهبی درباره مبارزه با طاغوتیان زمان قابل توجه است:

بیار آتش کینه نمرود وار
خلیلم ما را به آتش سپار
که پروانه در خلسه طی طریق
به پایان برد باد بال حریق
(حسینی، ۱۳۸۸: ۴۴)

خطاب به دشمن متجاوز است و یا در توصیف شهدای والامقام که عاشقانه در راه وطن و حراست از کیان اسلام و میهن به شهادت رسیده‌اند از اسطوره ابراهیم (ع) استفاده شده است:

همچو خلیل بت‌شکن در آتش عشق
رفتند و راه گلشنی دیگر گرفتند
(همان: ۱۱۸)

لهیب آتش نمرودیان گل افشانند
بروز حادثه باشد اگر خدا با ما
(مردانی، ۱۳۷۰: ۴۲)

تا همیشه‌ای به حیطة آتش بیاورند
ما را از آزمایش آتش هراس نیست
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۴)

سبزواری حضور رهبر و مقتدای دفاع مقدس را با اسطوره نوح، ابراهیم بت‌شکن و حیدر کرار مقایسه کرده و از سر صدق و صفا، رهبری مقام شامخ امام را در طول دفاع مقدس چنین می‌ستاید:

نوح آمده نوح آمده بر جسم ما روح آمده
نوح آمده نسل بوالحسن کافر شکار بت‌شکن
آمد ز نسل بوالحسن کافر شکار بت‌شکن
مرا حب شکن خیرفکن خنجرگذار دیگری
افتادگان را یآوری آزادگان را سروری
شیراوژنان را صفدری با ذوالفقار دیگری
(همان: ۱۸۷)

میراث دینی و آیینی با نمودهای مختلفی از شخصیت‌های مذهبی متجلی می‌شود. گاه در راه دفاع از ارزش‌ها و ایثار و جان‌فشانی رزمندگان، به داستان حضرت اسماعیل (ع) اشاره شده است. امین‌پور در حسرت و افسوس نسبت به جا ماندن از قافله شهدایی که اسماعیل‌وار به مسلخ می‌روند می‌گوید:

عمری به جز بیهوده بودن سر نکردیم
تقویم‌ها گفتند و ما باور نکردیم
در خاک شد صد غنچه در فصل شکفتن
ما نیز جز خاکستری بر سر نکردیم
حتی خیال نای اسماعیل خود در ا
همسایه با تصویری از خنجر نکردیم
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۲۹)

اینان که به خلق و خوی اسماعیلند
در گفتن تکبیر به پیغمبر تیغ
در حادثه آبروی اسماعیلند
بی‌تاب‌تر از گلوی اسماعیلند
(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۵)

در بیان شباهت سرسپردگی رزمندگان به عشق و جانبازی در راه عشق به داستان حضرت اسماعیل (ع):

آنان که حلق تشنه به خنجر سپرده‌اند آب حیات از لب شمشیر خورده‌اند
(همان: ۱۱۰)

اشاره به داستان موسی (ع) و فرعون

وقت است تا بار سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم
گاه سفر شد باره بر دامن برانیم تا بوسه گاه وادی ایمن برانیم
وادی پر از فرعونیان و قبطیان است فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۵۸)

گاه اشارات مذهبی رنگ و بویی کاملاً شیعی به خود می‌گیرد مانند اشاره به قهرمانان دشت کربلا. حضرت عباس که در اساطیر شیعی ایرانی، نمادی از قدرت، صلابت، مقاومت، فداکاری و ایثار است در نمادسازی اساطیری شاعران ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مورد توجه قرار گرفته است:

بشتاب برادر دلیرم بشتاب عباس تویی تازه فراتی دریاب
چون بود شهید عشق در کرب بلا لب تشنه لبیک نه لب تشنه آب
(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

ز آن دست که چون پرنده بی‌تاب افتاد بر سطح کرخت آب‌ها تاب افتاد
دست تو چو رود تا ابد جاری شد ز آن روی که در حمایت از آب افتاد
(هراتی، ۱۳۸۷: ۵۸)

احمد عزیزی در توصیف رشادت‌های قهرمانان و دلاوران عرصه نبرد با خصم دژخیم، عاشقان را به حضرت عباس (ع) تشبیه می‌کند:

صاف صافم مثل جان صوفیان علوم انسانی دست عباسم، نه دست کوفیان
(عزیزی، ۱۳۸۷: ۶۳۹)

قابل توضیح است که اسطوره‌های مذهبی شامل نمادسازی از وجهه مقدس پیامبران، ائمه معصومین و اولیاء از ابتدای ورود دین مبین اسلام همواره مورد توجه شاعران و هنرمندان عرصه زبان و ادبیات فارسی بوده است. اگر به تاریخ ادبیات ایران نگاهی بیندازیم درمی‌یابیم که شخصیت‌های مذهبی در وجهه‌ای مثبت همواره الگو و اسوه‌ای از فضایل اخلاقی، توان روحی، قدرت، شجاعت و رفتارهای پسندیده انسانی بوده‌اند. ایده معتقد است که شخصیت‌های مقدس و مذهبی در هاله‌ای از قداست و برتری معنوی و روحی هستند و از این رو می‌توانند سرنمون و الگوی اساطیری باشند (۱۳۶۲: ۱۴). شاعران

دفاع مقدس در این دوران به میزان بسیار زیادی خود را وارث و حافظ خون شهدای کربلا و رزمندگان اسلام را در مقام تمثیل با یاران وفادار امام حسین (ع) قیاس می‌کنند؛ از این رو اساطیر مذهبی عاشورا قیام امام حسین (ع) و شهادت پرافتخار ایشان، سرلوحه آنان است. بنابراین از ویژگی‌های بارز شعر این دوران می‌توان به اساطیر مذهبی به‌ویژه در پیوند تنگاتنگ با اسطوره‌های دینی - عاشورایی اشاره کرد. شهادت امام حسین (ع) و یارانشان، در راه هدفی والا، سازنده، پرشور و مملو از آرمان‌های والای انسانی که سرمشق بسیاری از رزمندگان و دلاورمردان عرصه نبرد حق علیه باطل شده بود. موضوع قیام امام حسین (ع) علیه یزیدیان و واقعه تاریخی عاشورا در طول تاریخ تشیع همواره به شکل‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. با شروع جنگ تحمیلی سربازان وطن به فرمان رهبر و مرشد خویش امام خمینی (ره) با سرلوحه قرار دادن قیام امام حسین (ع) به پیکار علیه دشمن پرداختند تا حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی را سرلوحه مجاهدت‌ها و رشادت‌های خویش قرار دهند؛ همین مسئله سبب شد که نمادهای مربوط به بن‌مایه‌های مذهبی عاشورا و یاد امام حسین (ع) به‌عنوان اسوه، الگو و اسطوره شجاعت، دلاوری و مردانگی بارها به اشکال گوناگون مورد توجه شاعران انقلابی قرار گیرد تا اجر معنوی قیام رزمندگان و دعوت به صبر، شکیبایی و شجاعت را در وجود مبارزان تقویت نمایند. قیام مردانه و جانانه امام حسین (ع) و یاران وفادارشان، تأثیرگذارترین و ناب‌ترین نموده‌های بلاغی و خیال‌انگیز اساطیری را در شعر این دوران از خود بر جای گذاشت:

دست عاشق را چه باک از دشمنه است تشنه‌ام من تا حسینم تشنه است
(عزیزی، ۱۳۸۷: ۴۲۱)

امام حسین و حضرت عباس نمادی از ولایت‌مداری تام و پایداری و وفاداری در راه عشق جنون و مستی هستند که همواره در باور شیعیان و افراد آزاده باقی‌مانده و خواهند ماند، ایشان هیچ‌گاه از مرگ و جانبازی ترسی به دل راه نداده‌اند. اینکه شعرای انقلابی در بیان اندیشه‌های حماسی خود از واقعه کربلا الگوبرداری کرده و نمادهای این حادثه را بیان می‌کنند، یک دلیل اساسی دارد و آن هم پیوند این رخداد تاریخی عظیم با جان و دل مسلمانان و شیعیان مخلص است. گاه این اشاره به شجاعت و رشادت‌های فاتح خبیر حضرت علی (ع) است:

آن جوشش و تیغ مرتضی با ماست ای کفر تو را چه در سرست اینجا
(مردانی، ۱۳۷۰: ۴۵)

در کربلای ایثار مردانه در ستیزند رزم‌آوران اسلام با خیل نا به‌کاران
در رزمگاه ایمان با اسب خون بتازند تا وادی شهادت این قوم سربداران
(همان: ۱۵)

راه‌ها راه حسین است که با تیشه خون همه بت‌های زمین در شب روشن شکنیم

به چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم
ما به نیروی یقین آهن شکنیم
مشتها بر دهن یاوه سرایان کوبیم
زورمندان جهان را همه گردن شکنیم
(همان: ۸۲)

امین‌پور در غزلی با نام «زین خالی» با بهره‌گیری از عناصر شعر عاشورایی و شیعی می‌گوید:

بر این زین خالی نه گردی، مردی
دلا زین غم از خون نگردي نه مردی
بر این زین خالی یلی چون تو باید
من آن دل ندارم چه دردی چه دردی
نه من پر کنم جای همچون تویی را
کجا پر شود جای گُردی به گردی
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۹۱)

و یا اشاره به حرکت تاریخی امام حسین (ع) در این ابیات از حسینی:

در امتداد پرسش تاریخی حسین
فواره‌های خون شما بهترین جواب
(حسینی، ۱۳۸۸: ۲۴)

می‌روم مادر که اینک کربلا می‌خواندم
می‌خواندم از دیار دور یاد آشنا می‌خواندم
بانگ هل من ناصر از کوی جماران می‌رسد
در طریق عاشقی روح خدا می‌خواندم
(همان: ۲)

عالم همه خاک کربلا بایدمان
پیوسته به لب خدا خدا بایدمان
تا پاک شود زمین ز اینای یزید
همواره حسین مقتدا بایدمان
(همان: ۱۱۰)

مردانی در توصیف عاشورا اصحاب امام حسین (ع) را لشکریان توحید و علمدار بیرق توحید خوانده است:

جهان به لرزه درآورد، روز عاشورا
به زیر بیرق الله، جنبش توحید

(مردانی، ۱۳۷۰: ۸۴)

نمونه‌ای دیگر از معلّم:

روزی که در جام شفق مل کرد خورشید
بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید
شید و شفق را چون صدف در آب دیدم
خورشید را بر نیزه گویی خواب دیدم
خورشید را بر نیزه دیدن سهمگین است
خورشید را بر نیزه دیدن سهمگین است
(معلّم، ۱۳۸۷: ۶۹)

بهره‌گیری از اساطیر مذهبی در جنبه مثبت و منفی گاه به هر دو صورت مورد توجه شاعر قرار می‌گیرد. احمد عزیزی یکی از این شاعران است که در قسمتی از شعر «شمرشناسی» با گریز به اسطوره مذهبی عاشورا و قیام امام حسین (ع)، دشمن متجاوز را در قالب اسطوره منفی و ننگین ضحاکان زمان با تعبیر «شمر» مورد توجه قرار داده است. در اساطیر مذهبی ایران، شمر نمادی از قساوت، ظلم و جنایت در حق خاندان برحق اهل بیت است. شاعر با الگوگیری از این اسطوره دینی در قالب وجه منفی، قصد داشته تا میزان جور و ستم دشمن بعثی در حق ملت مظلوم ایران را توصیف کند:

شمر ذبح لاله‌ها بر ماسه‌ها شمر یعنی دست رد بر کاسه‌ها
(عزیزی، ۱۳۶۹: ۱۷۶)

سبزواری چهره کریه دشمن بعثی را این‌گونه با نمادی از ابلیس به تصویر می‌کشد:

نامرد مردی از تبار سفله خیمان نامردی را بسته با ابلیس پیوند
شیر خیانت مادرش در کام کرده نامش به فرمان قضا صدام کرده
بازش به دامان خباثت پروریده تکریتیان را ننگ دیگر آفریده
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۷۰)

از هر کران نقش خیانت آشکار است انگشت ابلیس زمان هر سو به کار است
(همان: ۱۷۱)

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است
(همان: ۵)

بن‌مایه قهرمان موعود - حضرت مهدی (عج) - نیز یکی دیگر از نموده‌های اساطیر مذهبی است که شاعران انقلابی توجه ویژه‌ای به آن داشته‌اند، به‌عنوان نمونه، هراتی در شعری مستقل با نام «غنچه نرگس» میلاد بهار عدالت را در جهان به انتظار نشسته است تا با ظهور ایشان بساط ظلم ظالمان و سفاکان برچیند شود.

نتیجه‌گیری

اساطیر همواره و در تمامی فرهنگ‌ها به‌نوعی الهام‌بخش هنرمندان از جمله شاعران بوده و هست و شاعران هر عصر بنا به مقتضای دوران خویش از نمادهای اسطوره‌ای برای رسیدن به مقاصد خود بهره گرفته‌اند. انقلاب اسلامی ایران و پس از آن شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس علیه رژیم بعث عراق شرایطی را فراهم کرد که شاعران و هنرمندان بسیاری از اساطیر ملی و مذهبی با هدف تقویت روحیه دلاوری، مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن بهره‌جویند و نمادها و اسطوره‌های ملی، میهنی و مذهبی ابزار خیال‌انگیز برای تهییج مخاطبان و رزمندگان باشد. شعرای انقلابی تمام همت خویش را در بجهت انقلاب اسلامی

و دوران پر آشوب جنگ مصروف داشتند تا با رویکردی ملی و آیینی به ارزش‌های حماسی و معنوی، صلابت رزمندگان را به تصویر بکشند و شعر را به‌عنوان ابزاری در راستای تقویت روحیه دفاعی ملت ایران رزمندگان اسلام به‌کارگیرند. شعر انقلاب و دفاع مقدس از سویی در ذات خود قابلیت بهره‌گیری از عناصر حماسی، زبان نمادین و اساطیری را دارد چراکه این نوع از ادبیات صرفاً برای بازگویی رخدادها و حوادث سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی یک ملت نیست بلکه با ضرباهنگ و درون‌مایه غنی خود سعی دارد تا حماسه‌آفرینی ملت غیور ایران را در برابر ظلم، تعدی و تجاوز رژیم بعث عراق به تصویر بکشد؛ از این‌رو توصیف رشادت‌های جان‌برکفان در جبهه‌های نبرد، مستلزم به‌کارگیری ابزارهای بلاغی از جمله نمادهای اساطیری است. نمادپردازی اساطیری در شعر انقلابی و دفاع مقدس در دو شاخه اساطیر ملی با تأکید بر قهرمانی‌های اسطوره‌ای مانند رستم، کاوه، آرش، اسفندیار و... یا چهره‌های اساطیر منفور مانند ضحاک در تقبیح دشمن خون‌خوار مورد توجه قرار گرفته است. در دسته دیگر اساطیر مذهبی و از همه مهم‌تر قیام عاشورایی امام حسین (ع) است که الگوی مذهبی مقاومت و شجاعت شیعیان در تمامی ادوار گوناگون بوده و هست. تلفیق این اساطیر در شعر شاعران دفاع مقدس حاکی از آن است که نمادهای مورد استفاده هم از آن‌رو که الگویی از فضایل اخلاقی، دینی و معنوی هستند و هم در ابعاد آرمانی و توانش جسمانی و قهرمانی‌ها می‌توانند به‌خوبی مبین این نکته باشند که در شعر انقلاب اسلامی شاعران با نگاه همه‌جانبه‌ای به دفاع ملت مظلوم ایران در برابر توطئه‌ها و دسیسه‌های متجاوزان نظر افکنده‌اند.



کتابنامه

- المنجد. (۱۳۷۳). فرهنگ لغت. ترجمه: محمد بندر ریگی. چاپ دوم. تهران: انتشارات ایران.
- الیاده. میرچا. (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره. ترجمه: جلال ستاری. تهران: توس.
- امین‌پور. قیصر. (۱۳۸۸). مجموعه کامل اشعار. چاپ دوم. تهران: مروارید.
- بهار. مهرداد. (۱۳۷۵). جستاری چند در فرهنگ ایران. چاپ دوم. تهران: فکر روز.
- بهار. مهرداد. (۱۳۸۴). از اسطوره تا تاریخ. چاپ پنجم. تهران: چشمه.
- حسینی. سید حسن. (۱۳۸۱). گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس. تهران: سوره مهر.
- حسینی. سید حسن. (۱۳۸۸). هم‌صدا با حلق اسماعیل. چاپ پنجم. تهران: سوره مهر.
- حسینی. سید حسن. (۱۳۹۱). نوشداروی طرح ژنریک. چاپ هفتم. تهران: نشر افق.
- حقوقی. محمد. (۱۳۷۷). مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران. ج ۱. تهران: قطره.
- داد. سیما. (۱۳۹۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چاپ پنجم. تهران: مروارید.
- روتون. کنت نولز. (۱۳۷۸). اسطوره. ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: مرکز.
- سبزواری. حمید. (۱۳۶۸). سرود سپید. تهران: مؤسسه کیهان.
- سنگری. محمدرضا. (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- شمیسا. سیروس. (۱۳۸۰). انواع ادبی. چاپ هشتم. تهران: فردوس.
- صفایی‌تبار. حامد. (۱۳۸۴). «تحلیل ساختاری اشعار حماسی اسطوره‌ای با نگاهی به ایلید: پیکارهایی در مدار هیچ». روزنامه شرق. س ۲. ش ۴۷۴.
- عزیزی. احمد. (۱۳۶۹). کفش‌های مکاشفه. چاپ دوم. تهران: الهدی.
- عزیزی. احمد. (۱۳۸۷). طغیان ترانه. چاپ اول. تهران: نیستان.
- قربانی. محمد. (۱۳۹۲). «نمادهای اسطوره‌ای ملی و دینی در شعر دفاع مقدس». فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی. ش ۳۰. صص ۱ - ۲۳.
- کزازی. میرجلال‌الدین. (۱۳۷۶). رؤیا، حماسه، اسطوره. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- لک. منوچهر. (۱۳۸۴). «درآمدی بر شناخت اسطوره و تبیین کارکردهای هویت بخشی آن در شعر جنگ». فصلنامه مطالعات ملی ۲۳۰. س ۶. ش ۳. صص ۶۳ - ۸۳.
- لک. منوچهر. (۱۳۸۴). «هویت ملی در شعر دفاع مقدس». فصلنامه مطالعات ملی. س ۶. ش ۲۲. صص ۱۱۱ - ۱۳۲.

۱۹۰ پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی، دوره ۲، شماره ۱، پیاپی ۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مردانی. نصرالله. (۱۳۶۰). قیام نور. تهران: اندیشه و هنر اسلامی.

مردانی. نصرالله. (۱۳۷۰). خون‌نامه خاک. چاپ سوم. تهران: دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان.

مردانی. نصرالله. (۱۳۸۸). قانون عشق. تهران: صدرا.

معلم. علی. (۱۳۸۷). رجعت سرخ ستاره. تهران: انتشارات سوره مهر.

هراتی. سلمان (۱۳۸۷). از آسمان سبز. تهران: سوره مهر.

